

## سلطان حسین بایقرا و حیات اقتصادی خراسان

محسن رحمتی<sup>۱</sup>

فاطمه یوسفوند<sup>۲</sup>

### چکیده

اگر چه یورش تیمور، رکود نسبی در وضعیت اقتصادی را در پی داشت، اما تلاش‌های شاهرخ آسیب‌های اقتصادی وارده را به ویژه در خراسان جبران کرد. با درگذشت شاهرخ و منازعات جانشینی میان سلاطین تیموری فضای سیاسی کشور آشفته گشته و در پی آن اوضاع اقتصادی کشور به ویژه خراسان صدمه دید. با روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا، تلاش مضاعفی برای بهبود اوضاع اقتصادی خراسان آغاز شد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در صدد است تا تأثیر این اقدامات را بر وضعیت اقتصادی خراسان مورد بررسی قرار دهد. این مقاله نشان می‌دهد که سلطان حسین بایقرا به منظور دوام حکومت و شکوفایی فرهنگی دولت تیموریان اساس سیاست خود را بر احیای اقتصادی مالی و بالا بردن سطح زندگی مردم قرار داده و بدین جهت اقداماتی در زمینه رونق کشاورزی، تجارت و اصلاح نظام پولی و مالیاتی انجام داد. در نتیجه در دوران نخست حاکمیت او به واسطه استقرار نسبی معیشت و تنظیم امور تجاری و احیای کشاورزی و دلبستگی شخصی سلطان به عمران و آبادانی، وضعیت اقتصادی خراسان بهبود یافت و سلطان توانست برای خراسان دورانی از ثبات اقتصادی، رونق و رفاه و پیشرفت اقتصادی فراهم سازد، اما در سال‌های پایانی حکومت وی، در پی بیماری سلطان، دوباره عوامل مخرب مسلط شده و فضای اقتصادی خراسان را تحت تأثیر قرار دادند.

**کلید واژه:** سلطان حسین بایقرا، خراسان، اقتصاد، کشاورزی، تجارت، نظام پولی.

## *Sultān Hossein Bāyqarā and Economical Life of Khorāsān*

M. Rahmati<sup>1</sup>  
F. Yousefvand<sup>2</sup>

### **Abstract**

The blitz of timur, Although, caused recession of economical condition, But, shāhrokh's attempt recompensed economical harms especially in khorasan. The country's political climate were been disturbed and after that, were been harmed country's economical conditions, special khorāsān, on death of shāhrokh and successin struggle between timurid princes. After that Sultān hossein bāyqarā came to power, were began twofold attempts for improvement of economical conditions of khorāsān. By The historical analytic method, this article seeks to examined the effects of these activities on economical conditions of khorāsān.

This study shows that, Sultān hossein bāyqarā for continual of dominion and cultural flowering of timurid state found base of himself politic on revival of economical conditions and to raise the people's standard of living, and at this cause he took the necessary steps in commerce ,farming field and reforming of tax and monetary system. In consequence, The economical conditions of khorāsān, were been improved by comparative establishment of living and regulate of merchandise affairs and agricultural revival and individual interest of sultān in prosperity and development, in the first part of his reign, But, after his illness, destructive factors were dominated and influenced khorāsān's economical climate, in last years of sultān's reign.

**Keywords:** Sultān Hossein Bāyqarā, Khorāsān, Economic, Agriculture, Commerce, monetary system.

---

1- associate professor of History, University Of lorestan.  
mohsenrahmati45@gmail.com

2 - M.A. of student history, university of lorestan.  
fatemeHu64@yahoo.com

## مقدمه

امپراتوری تیموری محسوب می‌شد. زمین‌های حاصل‌خیز این منطقه و عبور راه ارتباطی میان شرق و غرب آن روزگار سبب شد که خراسان از نظر کشاورزی و تجاری حائز اهمیت باشد. خراسان در زمان شاهرخ پایتخت تیموریان شد و تا پایان حیات سیاسی این دولت مرکزیت حکومت باقی ماند. موقعیت ویژه جغرافیایی خراسان و تلاش سلاطین تیموری در بازسازی و مرمت این منطقه باعث شد که شهرهای خراسان، آباد شوند و پیشرفت اقتصادی در این ایالت فراهم شود. سلطان حسین بایقرا، آخرین حکمران تیموری (حک: ۸۷۵-۹۱۱ه.ق) که خراسان را از مرکز هرات اداره می‌کرد، مردی فاضل و ادیب بود و در گردآوری فضلا و اهل هنر در دستگاه خود جدی بلیغ داشت. به طوری که علما و دانشمندان از دیگر نقاط جهان اسلام به خراسان آمده و تحت حمایت سلطان حسین بایقرا قرار می‌گرفتند و طولی نکشید که دربار وی به صورت پایتخت فرهنگی شرق جهان اسلام در آمد. از آنجا که جامعه فرهنگی جامعه ای است که مسئله ثروت و رفاه مادی به عنوان یک نیاز اولیه کاملاً حل شده باشد، می‌توان گفت که به طور مسلم آن چیزی که بیش از هر عاملی موجب رونق این محیط فرهنگی در خراسان گردید، مسئله اقتصادی بود. سلطان حسین بایقرا نیز با آگاهی از این موضوع، توجه خاصی به وضعیت اقتصادی داشت و یک سری اصلاحات در زمینه اقتصادی انجام داد. در این مقال تأثیر اقدامات سلطان حسین بایقرا بر حیات اقتصادی این عصر را بررسی می‌کنیم.

## حیات اقتصادی خراسان قبل از سلطان حسین بایقرا

لشکرکشی‌های تیمور به ایران از پاره‌ای جهات از تاخت و تاز مغولان ویرانگرتر بود، اما تأثیرات مخرب این حملات به اندازه مغولان عمیق نبود. در حالی که تا سال‌ها پس از حمله مغولان، مزارع ویران مانده بودند، پس از حمله تیمور، بلافاصله بازسازی مناطق آسیب دیده در رأس امور قرار گرفت. بنابراین برخی معتقدند که «خدمات تیمور از نظر آبادانی، بر خرابکاری‌هایش می‌چربد (بارتولد، ۱۳۳۶: ۷). تیمور به اهمیت اقتصاد برای مملکت واقف بود و می‌گفت «دولت و سلطنت به ملک و خزانه و لشکر، قائم می‌باشد» (تربتی، ۱۳۴۲: ۲۲). لذا در شهرهایی که در برابرش مقاومت نمی‌کردند، با تجار و پیشه‌وران مساعدت می‌کرد و اعتقاد داشت که «دنیا با بازرگانان آباد است» (اسناد و مکاتبات خارجی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل، ۱۳۴۱: ۱۲۷-۱۲۸). بدین جهت در تعمیر پل‌ها، کاریزها، رباط‌ها، امنیت راه‌ها و هر چیزی که به تسهیل در امر تجارت کمک می‌کرد، کوشا بود (تربتی، ۱۳۴۲: ۱۷۸). وی جهت تشویق مردم به زراعت، مقرراتی راجع به مالیات و طریقه وصول آن وضع نمود و در بعضی مواقع مالیات‌ها را تخفیف می‌داد (تربتی، ۱۳۴۲: ۳۶۲-۳۶۶) و در همین راستا «هرگز اجازه نمی‌داد زمین‌های مستعد، لم یزرع بماند.» (یزدی، ۱۳۳۶: ۱۳/۲) در یورش تیمور به خراسان، نیشابور و سایر شهرهای بزرگ آن ایالت آسیب زیادی ندیدند زیرا فرمانرویان آن مناطق بدون مقاومت تسلیم شده و به تیمور پیوستند. بنابراین، کلاویخو که در سال ۸۰۷ه.ق از نیشابور عبور کرد، آن را شهری بزرگ و آباد یافت که «در آن وفور نعمت و همه وسایل» وجود داشت (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۸۹).

گام اصلی در احیای کشاورزی ایران را شاهرخ برداشت. در دوران وی کشاورزی ایران به سطح قابل توجهی از آبادانی دست‌یافت (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۷۱). طبیعی است که در این اقدامات اصلاحی، خراسان سهم اصلی را داشته باشد، چنانکه با استقرار شاهرخ در هرات هر روز بر میزان آبادانی و رونق اقتصادی آن شهر و خراسان افزوده شد. او در طی چهل و سه سال فرمانروایی در هرات از هیچ‌گونه کوششی برای ترمیم خرابی‌ها فروگذار نکرد. برای رفاه حال کسبه و بازرگانان، تمام بازارهای هرات را سر پوشیده و خیابان‌ها را بازسازی کرد تا در هنگام سرما، گرما و بارندگی به زحمت نیفتند (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۱۲-۱۳). حافظ ابرو در شرح

تلاش‌های شاهرخ برای آبادی هرات با بیانی اغراق‌آمیز می‌گوید که در نتیجه مساعی وی «مرمت باره و فصیل و دروب و مقاتله آن به نوعی استحکام یافت که عمارت سلاطین ماضیه، عشر عشیر آن نبوده است.» (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۱۱). سمرقندی نیز با بیان اینکه «پنجاه سال آیین جهانگشایی و قوانین فرمانروایی به عالمیان نمود، جان را به عدل و داد و تعمیر بلاد و توفیر عباد، معمور و آبادانی فرمود» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۵۹۶/۲) به نحو دیگری این آبادگری را باز می‌نماید. او در جای دیگر با اشاره به اینکه «خراسان چنان معمور بود که زیادت از آن در آینه‌ی گمان صورت نمی‌بست و غلبه و ازدحام به مرتبه‌ای بود که در هیچ زمان پیش از آن نشان بتواند داد» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۴۳۵/۲)، تلاش‌های شاهرخ برای آبادانی خراسان را می‌ستاید.

ولی آشوب‌های سیاسی و منازعات جانشینی میان مدعیان قدرت، از مرگ شاهرخ تا زمان روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا یعنی از ۸۵۰ تا ۸۷۳ ه.ق، آرامش و امنیت را در بخش اعظم قلمرو تیموریان با خطر مواجه ساخت. بدیهی است که ناامنی و بی‌ثباتی، پیامدهای ناگواری برای اوضاع اقتصادی ایران و به ویژه خراسان داشته باشد. در این دوره بیست ساله فترت، تعدادی از شاهزادگان تیموری به ادعای جانشینی با رقابت با یکدیگر برخاستند و همین امر به سایر امیران محلی و متنفذان منطقه‌ای فرصت داد تا برای کسب استقلال دست به کار شوند (اسفزاری). لذا آشوب، تشّت و زد و خورد میان مدعیان، سیمای کلی تاریخ سیاسی این دو دهه را تشکیل می‌دهد. همین امر، زمینه درازدستی نسبت به اموال مردم و اخذ مالیات‌های گزاف و یا غارت و تاراج مردم را فراهم آورده و البته در این زمان بلایای طبیعی مانند قحطی و بیماری‌های همه‌گیر نیز بر نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی منطقه می‌افزود (ابن شهاب یزدی، ۱۹۸۷: ۵۳، ۱۱۲-۱۱۷؛ مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۱/۱-۲۰۱، ۲۰۲-۲۰۷، ۲۰۸؛ تتوی-قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۲۷-۱۲۹، ۱۳۴-۱۳۵، ۱۵۹). بنابراین در نتیجه این عوامل مخرب حیات اقتصادی خراسان به شدت آسیب دیده بود.

### سلطنت سلطان حسین بایقرا

سلطان حسین میرزا فرزند سلطان غیاث‌الدین منصور فرزند امیرزاده بایقرا فرزند میرزا عمر شیخ بهادر فرزند امیر تیمور گورکان است که در محرم سال ۸۴۲ ه.ق در هرات به دنیا آمد. مادر وی، فیروزه بیگم نوه امیر موسی، دخترزاده تیمور، بود (قزوینی، ۱۳۶۳: ۳۳۸). بنابراین، نسب او جانب پدر و هم مادر به تیمور می‌رسد. پدرش غیاث‌الدین منصور، در سال ۸۴۹ ه.ق درگذشت و او تحت سرپرستی مادرش و در دستگاه الغ بیگ (حک: ۸۵۰-۸۵۳ ه.ق) از آسایش برخوردار بود، اما پس از جلوس سلطان ابوسعید گورکان (حک: ۸۵۵-۸۷۳ ه.ق) به زندان افتاد، ولی با حمایت مادر خود از زندان رهایی یافت و به میرزا ابوالقاسم بابر (حک: ۸۵۲-۸۶۱ ه.ق) پیوست (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۱۵/۴-۱۱۶). با استفاده از آشوب‌های سیاسی بعد از مرگ ابوالقاسم بابر، بر مرو مسلط شده و سپس نسا و ابیورد را نیز تحت فرمان خود درآورد. سپس در سال ۸۶۲ ه.ق موفق شد استرآباد را تصرف کرده و مقر حکومت خویش سازد، ولی در نبرد با ابوسعید شکست خورده و به سوی خوارزم و دشت قیچاق گریخت (تتوی-قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۳۹-۱۴۰، ۱۴۳-۱۴۴، ۱۴۷-۱۷۱، ۱۵۹، ۱۵۱، ۱۴۸). چندین بار تلاش وی برای تصرف هرات به جایی نرسید تا سرانجام در سال ۸۷۳ ه.ق با استفاده از خلأ قدرتی که متعاقب مرگ ابوسعید ایجاد شده بود، توانست ضمن غلبه بر هرات، تا پایان عمر یعنی به مدت ۳۸ سال بر بخش اعظم ایران مشتمل بر خراسان، طخارستان، قندهار، سیستان، گرگان و فارس حکومت کند (دوغلان، ۱۳۸۳: ۲۹۲). تأمل در حوادث دوران حکومت وی دو دوره کاملاً متمایز را نشان می‌دهد: دوره نخست از ابتدای حکومت در سال ۸۷۳ تا پایان سال ۸۹۵ ه.ق، دورانی است که او با اقتدار و به عنوان یک فرمانروای آرمانی حکومت کرد و در دوره دوم که ۱۵ سال آخر

حکومت او از ۸۹۶ ه.ق تا ۹۱۱ ه.ق را در بر می‌گیرد، سلطان فلج گشته و فقط ازدرون محفّه بر امور نظارت داشت (قزوینی، ۱۳۶۳: ۳۴۰). در این دوره مخالفان سیاسی او با اطلاع از فلج بودن سلطان تلاش‌های خود را برای تصاحب قدرت افزایش دادند، اگر چه او توانست در مقابل این رقیبان تاج و تخت و خود را حفظ کند، ولی در زمینه امور سلطنتی توان اعمال اقتدار و سلطه آمرانه نداشته و امیران و سرداران به خودسری افتادند. سرانجام، در حدود هفتاد سالگی، در اواسط ذیحجه سال ۹۱۱ ه.ق در منطقه بابا الهی بادغیس درگذشت و در شهر هرات دفن گردید (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۴۵). اعتبار سلطان حسین بایقرا در این است که با وجود ستیزهای دودمانی و منازعه با مدعیان سلطنت، نوعی رفاه و امنیت نسبی را در خراسان به وجود آورده بود (رویمر، ۱۳۷۹: ۱۳۳). در نتیجه بسیاری از هنرمندان مناطق دیگر به خراسان عزیمت کرده و در شهرهای این ایالت ماندگار شدند (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۰۰). زندگی فرهنگی در هرات همچنان که در محافل درباری رونق داشت، در میان توده مردم اعم از کشاورزان و پیشه‌وران نیز رواج کامل داشت (نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۶). با توجه به اینکه در زمان وی هرات مرکزیت علمی و فرهنگی داشته ساختن مکان‌های فرهنگی از مهمترین توجهات سلطان بوده و با اهداف فرهنگی در ساخت و تعمیر مساجد، مدارس، خانقاه‌ها و رباط‌ها فعالیت جدی داشت (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۶۴۶/۷)، که این خود نیز در رونق اقتصادی مؤثر بود. سلطان همچنین به منظور رواج اندیشه و ترویج علم و اخلاق که با معیشت و اقتصاد رابطه مستقیمی دارد به اوضاع اقتصادی توجه ویژه‌ای داشت. از آنجا که مهمترین عامل رونق اقتصادی، وجود امنیت اجتماعی است، سلطان برای برقراری امنیت جدیت داشت و امنیت نسبی موجود در این عهد در بهبود وضعیت اقتصادی تأثیر زیادی داشته است.

### اقدامات اصلاحی سلطان حسین بایقرا

در هنگام روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا «رعایا که از تکلیفات و مطالبات ایام گذشته مضطر شده بودند»، بیمناک بودند که مبادا او نیز چون اسلاف باشد (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۷۰). بنابراین، سلطان حسین، ضرورت انجام برخی اصلاحات اقتصادی را دریافته و در ابتدای سلطنت خود برای بهبود فضای اقتصادی منطقه دست به کار شد. او که می‌دانست بدون رفع عوامل مخرب، نمی‌تواند اوضاع اقتصادی را به سامان کند، و برای آنکه نتیجه پایداری از این اقدامات بگیرد دستور داد تا درباریان، با آسیب شناسی اوضاع اقتصادی خراسان، عوامل مخرب مؤثر بر حیات اقتصادی خراسان را شناسایی کنند. نتیجه آن شد که وزیرش قوام الدین نظام الملک خوافی طی گزارشی مشتمل بر ۲۱ فصل «شرح برخی قضایا که سبب تفرقه و پریشانی رعایا بود، به مسامع عزّ و جلال رسانید» (عقیلی، ۱۳۳۷: ۳۵۵) این سخن بدان معنا است که سلطان نخست به آسیب شناسی وضعیت اقتصادی خراسان پرداخته تا برای اصلاح آن برنامه‌ریزی نماید. سرانجام پس از مطالعه جوانب امر، فرمانی دایر بر اجبار همه کارگزاران حکومتی و دیوانی در اجرای دستورات شاه و تلاش عمومی برای رفع آسیب‌های اقتصادی خراسان صادر کرد (عقیلی، ۱۳۳۷: ۳۵۵-۳۵۶). در این راستا او به ترتیب برخی اقدامات را به مرحله اجرا گذاشت:

#### ۱- کاهش مالیات

از آنجا که یکی از مهمترین عوامل تخریب اوضاع اقتصادی، نابسامانی‌های موجود در تعدد و فزونی مقدار مالیات‌ها و حتی در برخی موارد، شیوه وصول آن بود، لذا نخست برای اصلاح وضع مالیاتی دست به کار شد. در این زمان مالیاتهای متعدد با مقادیر معتدله و متفاوت از مردم گرفته می‌شد. در سال ۸۷۴ وقتی سلطان برای مقابله با مخالفان از هرات خارج شده بود، کارگزاران دولتی به اخذ مالیات از مردم پرداختند. فشار این مالیات بر مردم تا آن حدّ بود که اقدام کارگزاران سلطان برای اخذ آن در هرات، در

سال ۸۷۴ ه.ق سکنه شهر را به شورش واداشت. سلطان ضمن دستگیر نمودن کارگزاران ظالم، به دلجویی از مردم ستم‌دیده پرداخت (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۴۴/۴-۱۴۵). و حکم داد که: «رعایا و مزارعان و محترقان و پیشه‌وران بلده و بلوکات هرات مدت دو سال از وجوه خارجی و زرشکر معاف و مسلم باشند» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۵۲/۴). مهمترین مالیات این دوره خراج بود و در نتیجه مساعی سلطان مقدار خراج در برخی ولایات کاهش یافت و برخی ولایات نیز به طور کلی از پرداخت مالیات معاف شدند. چنانکه وی تمام نواحی ولایت بادغیس را از پرداخت مالیات معاف کرد (نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۲۰۵-۲۰۶) و مقدار مالیات مقرری خراج در ولایت جام را نسبت به گذشته کاهش داد (مولوی، بی‌تا: ۳۶۲/۲-۳۶۴). مهمترین مالیات تجاری «تمغا» بود. سلطان حسین بایقرا دستور داد که پرداخت این مالیات در تمام قلمرو به طور کلی لغو گردد تا بازرگانان به راحتی خرید و فروش و آمد و رفت نمایند (فرهانی‌منفرد، ۱۳۸۱: ۱۲۷). سلطان حسین به وضعیت مالیاتی مردم توجه کرده و در رعایت عدالت و گرفتن مالیات‌ها بر طبق قانون، لحظه‌ای غفلت نمی‌کرده است. به طوری که وی کارگزاران نظامی مالیاتی را به خاطر اینکه از مردم یهودی ساکن هرات مبلغی را به رسم یلتوره و یوسون می‌گرفتند، مؤاخذه کرد (نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۱۶۰-۱۶۳). او همچنین طی فرمانی لغو تمامی مالیات‌های غیرقانونی را صادر کرد و دستور داد تمامی را مأمورانی که به اخذ عوارض غیرمشروع موجب پریشانی امور و فقر مردم می‌شدند، اسیر و تحویل محکمه دهند (پیگولوسکایا، ۱۳۴۶: ۴۷۶). به پشتوانه این اشتیاق به آبادانی خواجه مجدالدین خوافی وزیر سلطان نیز «نسبت به مزارعان و محترفات در کمال عدالت و انصاف سلوک نموده، از اخراجات و قلاتات ایشان مبلغ‌های کلی معاف داشت» (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۰۶).

## ۲- مقابله با سوءسلوک کارگزاران حکومتی

اقدام دیگر سلطان، مقابله با سوءسلوک کارگزاران حکومتی و تأدیب خاطیانی بود که با کار خود موجبات تهیدستی و نارضایتی اهالی را فراهم می‌ساختند. تا قبل از حاکمیت سلطان حسین بایقرا، کارگزاران دولتی در ولایات با اخذ مالیات‌های گوناگون، مردم را تحت فشار می‌گذاشتند. چنانکه در طول سال ۸۶۱ ه.ق از اهالی هرات سه بار مالیات و سه بار شکرانه گرفته شد (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۰۳). سلطان در این زمینه به شدت کوشا بود؛ چنانکه در جریان مالیات‌گیری بی‌هنگام از اهالی هرات در سال ۸۷۴ ه.ق، سلطان دستور داد تا کارگزاران خاطی را زندانی و مجازات کنند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۴۵/۴). دو سال بعد نیز عمل‌داران و کارگزاران «شرارت نهاد» مشهد مقدس را مجازات نمود (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۵۳/۴) اگر چه منابع در خصوص این شرارت‌نهادی و مجازات آنها اطلاعی به دست نمی‌دهند ولی بر حسب قیاس با موارد پیشین به نظر می‌رسد که با مالیات‌گیری و تعدی در این زمینه مرتبط باشد. از دیگر اقدامات در زمینه تسهیل تجارت، صدور گذرنامه یا نشان برای تجار و مسافران است. سلطان در این نشان از راهداران خواست که کاروان‌های این مسافران را به بهانه گرفتن سوغات متوقف نکرده، و در قبال عوارض گمرکی، اموال و وسایل مسافران را به سلامت از مناطق خطرناک عبور دهند (نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۱۵۲). جدیّت او در ممانعت از این سوء سلوک‌ها، تا آن حدّ بود که در نظام دیوانی او، مهم‌ترین حربه برای کنار زدن رقیبان، اتهام سوء استفاده از اموال دیوانی بود زیرا بلافاصله سلطان، متهم را مورد بازجویی قرار می‌داد و در صورت براءت، از او دلجویی کرده و بر مسند سابق باز می‌گرداند. ولی در صورت اثبات، علاوه بر آنکه اموال وی و ایادی‌اش مصادره می‌شد، مجرم را به زندان انداخته و در برخی موارد برخی کارگزاران خاطی را نیز اعدام می‌کرد (نک: خواندمیر، ۱۳۱۷: ۳۹۳، ۴۰۰). بنابراین، در انتخاب وزیر می‌کوشید تا کسی را که با آمال و اهدافش همراه باشد به وزارت بردارد.

چنانکه با انتخاب مجدالدین محمد به وزارت، قدم بزرگی در این راه برداشت. با وزارت وی «رعایا و مزارعان و محترفات و پیشه‌وران از دست‌انداز عمال دیوان نجات یافته و در مهاده عدالت و نصف فارغ‌البال نشستند» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۸۱/۴). او همچنین در اصلاح امور دربار و جلوگیری از ارتشاء، سعی بود چنانکه «ابواب منافع امراء و مقربان را مسدود گردانید و عمال و نویسندگان دیوان را در مؤاخذه و مطالبه کشید» تا سرانجام در نتیجه این اقدامات «هیچ عمل‌داری را یارا نبود که یک من بار و یک دینار از رعیتی برشوه بستاند و از کمال سیاستش هیچ عوانی زهره نداشت که به مقدار سر مویی آزاری به بازاری رساند» (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۰۷).

### ۳- ایجاد امنیت

سومین اقدام سلطان ایجاد امنیت بود. از آنجا که مهمترین عامل ناامنی در خراسان، ظهور و بروز شورش‌ها و تکاپوی مدعیان قدرت بود. او نخست سرکوبی مدعیان قدرت را وجهه همّت خود قرار داد. علاوه بر این، لگام گسیختگی ایلات نیز از عوامل اصلی ناامنی اجتماعی در آن دوره محسوب می‌شد که در نتیجه ضعف حاکمیت مرکزی بعد از مرگ شاهرخ بر تحركات خودسرانه آنها افزوده شده بود. از آن جمله ایلات هزاره و بقایای نکودریان در نواحی کوهستانی اطراف غزنین و قندهار، با تاخت‌وتاز در نواحی مجاور خود، صدمات شدیدی به آن نواحی وارد می‌کردند (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۶۸). سلطان، امیر شجاع‌الدین ذوالنون ارغون را مأمور مبارزه با آنها نموده و او نیز تا ۸۸۴ ه.ق نکودریان را به اطاعت از سلطان وادار کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۷۰/۴؛ اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۴۴-۳۵۳). همچنین شورش میرمغول، حکمران استرآباد، چنان باعث ویرانی در آن ناحیه شد که از آن با عنوان «فترت عجب» یاد کرده و آورده‌اند که در نتیجه آن «اختلال بسیار بدان مملکت راه یافت» (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۰۲).

همچنین تا قبل از حاکمیت سلطان حسین بایقرا راه‌ها مورد دستبرد و غارت راهزنان قرار می‌گرفت و اموال و جان مسافران همواره در معرض خطر بود. چنانکه «از خوف قرقچی و سایر مسافران از بیم قطاع‌الطریق، هنگام رفتن از مسکن به مقصد و از وطن به معبده، صعوبت بسیار و عقوبت بی‌شمار می‌دیدند.» (فرهانی‌منفرد، ۱۳۸۱: ۴۴۳). سلطان، ضمن تعیین راهداران مطمئن، دستور داد که در محافظت از اموال و وسایل مسافری و کاروانیان کوشا باشند تا ایشان به مقصد خود برسند (نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۱۸۴). وی همچنین مقرر کرد که داروغگان هر شهر می‌بایست از مسافران محافظت کنند و اگر در این مدت چیزی از اموال آنها کم شود داروغگان مسئولیت پرداخت آن را بر عهده دارند (همان‌جا). سلطان همچنین طی نامه‌ای از سلطان یعقوب آق‌قویونلو خواست تا در برقراری امنیت همکاری نمایند تا راه‌ها را از دستبرد و غارت راهزنان پاک کنند (نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۸۷).

### ۴- اقدامات حمایتی و تشویقی

بخش دیگری از اقدامات سلطان در اقتصاد، جنبه حمایتی داشت. او در طول حکومت خود با ساخت بناهایی همچون پل، رباط، بازار و جز آن، ایجاد کاریزها و قنوات و نظارت بر سیستم آبیاری، کوشید تا حمایتی همه‌جانبه از اقتصاد خراسان به عمل آورد.

فعالیت کشاورزی، بیش از هر بخش دیگری به حمایت‌های حکومتی نیاز داشت و بدون توجه حاکمان آسیب می‌دید. با توجه به موقعیت بیابانی و نیمه بیابانی بخش اعظم خراسان، و در نتیجه کمبود بارش، استفاده از آبیاری مصنوعی از طریق حفر چاه، قنات، و احداث بند بر رودخانه‌ها و انشعاب نهر، اهمیت حیاتی در رونق کشاورزی داشت. امیران تیموری نیز در کنار فعالیت‌های عمرانی مانند احداث باغ‌ها و ابنیه جدید، به زراعت توجه کرده و برای ایجاد مزارع جدید در برخی از نواحی خراسان، نهرها یا قنواتی ایجاد یا

نهرهای مسدود شده را لایروبی و تعمیر می‌کردند. چنانکه نهرهای متعددی از رودهای چخچران یا هریرود، مرغاب و هیرمند منشعب کردند که مزارع اطراف را آبیاری می‌نمود. حافظ ابرو در شرح محلات تابع هرات از جوی‌های آب روان و کاریزهای متعدد یاد کرده و اولین مشخصه‌ای که از این نواحی ذکر می‌کند وجود مزارع و باغات فراوان است (حافظ ابرو، بی‌تا: ۵-۴۴). به طوری که تعداد مزارع از تعداد قریه‌ها بیشتر است. به عنوان نمونه می‌توان به بیاض با شش قریه و بیست مزرعه، مومن آباد با بیست قریه و صد مزرعه، شاخن با هفت قریه و صد مزرعه اشاره کرد (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۳۰-۶۷). با توجه به آنکه حافظ ابرو اوضاع زمان شاهرخ را گزارش می‌دهد طبیعی است که این آبادانی را نتیجه اقدامات شاهرخ بدانیم. سلطان حسین نیز این حمایت‌ها و اقدامات را ادامه داد که شرح آن در ادامه خواهد آمد.

شایان ذکر است که یکی از عوامل مخرب در اوضاع اقتصادی ایران همواره بلایای طبیعی اعم از زلزله، سیل، قحطی، و بیماری‌های همه‌گیر بود. شگفت آنکه با جلوس سلطان حسین بر تخت حکومت، طبیعت نیز کمال همراهی را نموده و «از میامن مقدم میمونش در این مدت بیست و شش سال روزگار دولت همایون، مملکت خراسان از قحط و نیاز و طاعون و انقلاب که همیشه در اطراف و اکناف سایر و ساری بود، مأمون و محفوظ ماند» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۱۲).

### حیات اقتصادی خراسان و سلطان حسین بايقرا

در نتیجه مساعی سلطان «خراسان به نوعی آبادان شده بود که هرگز مثل آن نبوده» (قزوینی، ۱۳۶۳: ۳۳۶) و دوره او به عنوان اسطوره آبادانی درآمد و زبانزد سلاطین معاصرو بعد از او گردید (دوغلان، ۱۳۸۳: ۴۱۴) با توجه به موقعیت جغرافیایی خراسان و ویژگی‌های طبیعی آن، تنوع قابل توجهی در فعالیت‌های اقتصادی ساکنان آن منطقه وجود داشت. با توجه به تقسیم‌بندی جامعه انسانی براساس سکونت‌گاه افراد، به دو دسته شهرنشین و غیر شهرنشین (یعنی روستایی و عشایر)، فعالیت اقتصادی در این ناحیه را نیز می‌توان ذیل دو عنوان کلی اقتصاد شهری و اقتصاد روستایی مورد مطالعه قرار داد:

#### الف: اقتصاد روستایی

موقعیت جغرافیایی خراسان، پیدایش تعداد بسیار زیادی روستا را موجب شده بود. در روستاهای خراسان، اساس اقتصاد بر کشاورزی استوار بوده که رکن رکین درآمدهای مالیاتی حکومت‌ها را تشکیل می‌داد. بنابراین در فرهنگ سیاسی و اداری سنتی ایران «انتظام نظام عالم و سرانجام مهام بنی آدم» را بر «وفق احوال دهاقین و مزارعان» منوط می‌دانستند (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۶۲). از دیرباز کشاورزی بر پایه آبیاری مصنوعی (جوی و نهر و جویبارهای کوهستانی، چاه و کاریز و قنات) قرار داشت. بنابراین، سلطان حسین بايقرا در تداوم فعالیت اسلاف خود به منظور استفاده از آب‌های زیر زمینی جهت فعالیت‌های زراعی اقدام به احداث قنات و کاریزهای بسیار نمود. مهم‌ترین قدم در انشعاب نهر از رودخانه‌ها، بستن بند بر روی رودخانه بود و از جمله اقدامات سلطان، احداث بند سلومند در منطقه خواف است که انهار منشعب از آن باعث آبادانی فراوان در آن منطقه گردید (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۹۹-۲۰۰). همچنین مراقبت او از آب بندهای قدیمی و لایروبی انهار چنان بود که در عهد او همه مزارع و باغ‌های اطراف هریرود، از هرات تا سرخس از طریق انهار منشعب از این رود آبیاری می‌شدن (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۸۲). میزان این بهره‌وری چنان بود که برخی از روستاهای کنار آن به حدی توسعه یافته بودند که با شهرها برابری می‌کردند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۸۲). در اواخر سلطنت سلطان حسین



بایقرا در ناحیه زاول از توابع اسفزار هشتاد کاریز وجود داشت که فزونی آب آنها شگفتی آور بود و بر سر هر قناتی قریه‌ای ساخته شده بود (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۱۵).

پیش از سلطان حسین، عده‌ای از کشاورزان و روستاییان جلای وطن کرده و به اطراف و اکناف متواری شده بودند. با توجه به آنکه مهمترین عامل لازم برای کشاورزی نیروی انسانی مجرب است، بازگرداندن روستاییان فراری به ولایت‌شان، امری ضروری بود. بنابراین، حکام و امراء را مجبور کرد که از کشاورزان دلجویی کرده و ضمن جلوگیری از جلای وطن آنها، درگسترش زراعت به آنها کمک نمایند (نظامی باختری، ۱۳۵۷: ۱۹۴). او همچنین با احداث باغ و بستان‌های فراوان سعی در ترویج فرهنگ باغداری و کشاورزی داشت. چنانکه در اثر مساعی وی، حومه شهر هرات از جوی انجیل تا دره دو برداران و همچنین از گازرگاه تا چشمه ماهیان به مسافت یک فرسخ و از باستان تا سقلمان به مسافت شش فرسخ همه مملو از باغ و بستان شده بود (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۸۵). در باغات متعلق به وی در هرات محصولات فراوانی به عمل می‌آمد (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۲). برای رونق کشاورزی، گاهی حتی از دریافت مالیات‌های زراعی معمول نیز چشم‌پوشی کرده و آن را در اختیار مالکان اراضی قرار داد تا برای بهبود کشاورزی از طریق ساخت تأسیسات کشاورزی مثل حفر انهار و قنات و یا احداث بند، استخر و آب‌انبار هزینه‌کنند. چنانکه طی حکمی به قوام‌الدین ابوالقاسم به دلیل احداث کاریزهای مشهد مقدس پیش از زمان مقرر مبلغ هزار دینار کپکی و مقدار صد خروار غله اهداء کرد (نظامی باختری، ۱۳۵۷: ۲۷۹). بدیهی است که عملکرد سلطان بر ارکان حکومتی وی نیز تأثیر گذاشته باشد. به طوری که کارگزاران حکومتی وی نیز در ساخت ابنیه و اماکن فرهنگی و اقتصادی کوشا بودند (ویلبر، لیزاگلمیک، ۱۳۷۴: ۸۹). حتی شماری از آنها نیز عایدات خویش را برای حمایت از شاعران، ادیبان، علما و به طور کلی فعالیت‌های فرهنگی صرف می‌کردند (تاکستن و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۰۶). از جمله این کارگزاران، امیر علیشیر نوایی رییس دیوان امارت بود که برای تأسیس مدارس، مساجد و رباط و بقاع خیریه هزینه‌های گزافی را متحمل شد (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۵۰۵-۵۰۶؛ دوغلات، ۱۳۸۳: ۳۱۱). و به قول مورخ دیگری «آنقدر مساجد و مدارس و خانقاه و رباطات و بقاع الخیر در صحاری و براری خراسان ساختند که زبان قلم از شرح و بیان آن عاجز است» (قزوینی، ۱۳۶۳: ۳۳۷).

در خصوص نتیجه این اقدامات بر وضعیت کشاورزی این ایالت در این عهد، اطلاع دقیقی در دست نیست تا بر پایه آن بتوان وضعیت کمی و کیفی کشاورزی خراسان در این دوره را مطالعه کرد. اما برخی اشارات کلی و مختصر مورخان حاکی از آن است که در نتیجه اقدامات و حمایت‌های سلطان حسین، کشاورزی از چنان رونق گرفت که «در تمام بوادی و صحراوات هر چند مواضع یابس و اراضی موات بود از احداث انهار و اجرای قنات احیاء یافت از جمله آنکه از خطه مرغاب تا مرو شاهجان قریب به سی فرسخ صحرای موات فاصله بود و از سرخس تا مرو بیست و پنج فرسخ دیگر. در این ایام همایون آن فواصل تمام مزروع و معمورگشته بود چنانکه به یکدیگر متصل شده» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۷۵). در نتیجه اقبال مردم به کشاورزی در اواخر حکومت وی «از مرغزار و سنگستان هیچ جا نماند که مزرعه و باغستان نگشت» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۷۴-۳۷۵). این امر نشان می‌دهد که در عهد وی کشاورزی رونق خود را باز یافته و «به مرتبه‌ای رسیده که کیوان برتر نشین فلک هفتمین بر جمیع دهاقین روی زمین حاسد است و بازار خرمن سنبله از رشک این مزارع کاسد» (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۵۴۰). این موقعیت سبب گردید تا عده‌ای از ساکنان نقاط دیگر روانه خراسان شده و در نواحی و بقاع آن ایالت اسکان گزیدند (نظامی باختری، ۱۳۵۷: ۲۹۱-۲۹۲). زمانی نیز که

سلطان می‌خواست جمعی از کشاورزان خراسان را برای ترویج کشاورزی به خوارزم بفرستد، آنها راضی به ترک مزرعه و دیار خود نشدند تا سلطان منصرف شد (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۱۱۸).

تنوع جنس خاک و شرایط آب و هوایی در ایالت پهناور خراسان، امکان پرورش انواع متعدد از گونه‌های مختلف گیاهی را فراهم می‌کرد. چنانکه همه محصولات گرمسیری، سردسیری، کوهستانی و بیابانی در آن یافت می‌شد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۹۳). غلات که به عنوان غذای اصلی سکنه و دام‌های آنها بود، تقریباً در همه نقاط ایالت پرورش می‌یافت، اما در بادغیس، مرو، مرغاب و فراه به مقدار فراوان به دست می‌آمد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۳۵، ۱۷۲، ۱۷۴، ۳۳۶). در ناحیه مرغاب نوعی برنج مرغوب به دست می‌آمد که به همه نواحی خراسان صادر می‌شد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۷۲). همچنین مقدار زیادی پنبه در مزارع مرو به دست می‌آمد که مهم‌ترین منبع تأمین پوشاک سکنه هرات به شمار می‌رفت (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۷۴). در قهستان نیز زعفران فراوان به دست می‌آمد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۲۷). استرآباد توتستان‌های وسیع داشت (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۹۹). در مرو، صحرای قلبدان، شورقان (شاپورگان) و تربت‌جام مقادیر فراوانی خریزه کاشت می‌شد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۴، ۲۴۱). در ترشیز نیز انار بدون هسته معروف به طبعی به دست می‌آمد که از شهرت خاصی برخوردار بود (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۸۰) همچنین در بادغیس پسته فراوان و مرغوب عمل می‌آمد که به نواحی دیگر هم صادر می‌شد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۳۴). انواع انگور به مقدار بسیار زیاد در سیوشان هرات، اسفزار، بحر آباد و استرآباد تولید می‌شد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۸۳، ۱۱۶-۱۱۷، ۲۸۷، ۲۹۹). دیگر میوه‌ها اعم از سیب، گلابی، به، زردآلو، فندق، گردو و بادام در اغلب نقاط خراسان به ویژه در روستاهای هرات، باخرز و غرجهستان به دست می‌آمد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۲۲۷-۲۲۸، ۳۶۵).

## ب: اقتصاد شهری

### ۱- تجارت

دوّمین فعالیت اقتصادی ساکنان ایران و به ویژه خراسان، تجارت بود. در این زمان تجارت ایران از طریق دریا و خشکی پر رونق بود. تجارت دریایی از طریق بنادر و جزایر متعدد خلیج فارس انجام می‌شد، ولی چون خراسان با این دریاها ارتباط مستقیم نداشت، در این مقال مجالی برای پرداختن بدان نیست. اما از طریق خشکی شبکه ارتباطی گسترده‌ای شهرهای مختلف این قلمرو را به یکدیگر و به جهان خارج پیوند می‌داد. مهم‌ترین راه این شبکه ارتباطی گسترده، راه معروف ابریشم بود که ایران را به چین پیوند می‌داد. راه ابریشم از خراسان به چین، دارای دو مسیر بود یکی از هفت‌آب و دیگر از مسیر و خان. در قرون نخستین اسلامی، مسیر هفت‌آب، رونق بیشتری داشت، و بازرگانان خراسان از مرو به بخارا و هفت‌آب می‌رفتند، اما بعد از استیلای مغولان این مسیر از نیشابور به سوی هرات تغییر یافت و از آنجا به جاده و خان می‌رفت (بارتولد، ۱۳۰۸: ۹۷). بنابراین، در عهد ایلخانان عملاً مسیر تجاری و خان، جای مسیر هفت‌آب را گرفت. اگر چه بعدها با تلاش‌های تیمور برای رونق اقتصادی سمرقند مسیر تجاری هفت‌آب احیاء شد (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۷۶-۲۷۷، ۲۸۶-۲۸۷)، اما مسیر تجاری و خان نیز از رونق نیفتاد. همچنین در عهد مغولان، یک مسیر مستقیم تجاری میان اروپا و چین از طریق دشت قبچاق به وجود آمد که تا حدودی رونق مسیر تجاری ایران را تحت‌الشعاع قرار داد، اما تیمور، سلسله لشکرکشی‌هایی که به دشت قبچاق انجام داد و با تخریب شهرهای شمال دریای مازندران و دشت قبچاق، دوباره رونق مسیر تجاری جنوبی را تجدید کرد.

دومین مسیر تجاری بزرگ نیز راه ادویه بود که ایران را به هند پیوند می‌داد. این راه از هند آغاز و از طریق گذرگاه خیبر به جنوب خراسان وارد می‌شد و سپس به دو بخش تقسیم می‌شد: مسیر غربی از طریق قندهار و بست به هرات می‌رفت و مسیر شرقی از طریق غزنین به کابل، بامیان و بلخ می‌رفت و با مسیر جاده و خان می‌پیوست (بارتولد، ۱۳۰۸: ۶۷-۶۹، ۱۲۶-۱۲۷).

شهرهای مهم خراسان و ماوراءالنهر همچون هرات و سمرقند، در دوران تیموریان از رشد بالایی در امر تجارت خارجی و داخلی برخوردار شدند (رویمر، ۱۳۷۹: ۲۴۲). این رونق تجارت به خاطر حمایت و تشویق سلاطین تیموری بود به طوری که اهل تجارت یکی از طبقات دوازده‌گانه جامعه تیموری محسوب می‌شدند (ترتبی، ۱۳۴۲: ۲۱۶). تیمور در نامه‌ای به شارل ششم، پادشاه فرانسه، به ضرورت اعزام بازرگان از هر دو طرف اشاره کرده است (اسناد و مکاتبات خارجی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل، ۱۳۴۱: ۱۲۷-۱۲۸) شاهرخ نیز تجار را «برید آفاق و نشر کننده اخلاق» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۵۵۶/۳) می‌خواند و رعایت حال آنها را واجب می‌شمرد.

نقش حیاتی این گروه در تأمین نیازهای مادی مردم، آنها را به یک قشر محترم و متعین در سطح جامعه مبدل ساخته بود زیرا آنها «در بحر طلب و بادیه تعب جهت کسب حلال سیاحت کرده، نفایس دریابار و ظرایف هر بلاد و دیار را به ابنای روزگار از صغار و کبار» می‌رساندند (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۰۷). نظر به همین قضیه، سیاست حمایت از بازرگانان، در عهد سلطان حسین بایقرا نیز ادامه یافت. مهم‌ترین اقدام حمایتی سلطان از تجارت، تأمین امنیت راه‌های تجاری بود که آن نیز جز از طریق مبارزه با راهزنان و قطع‌الطریق امکان‌پذیر نبود (نظامی‌باخزری، ۱۳۵۷: ۵۸-۵۹). لذا سلطان، پس از مجاهدت‌های بسیار، توانست با «صرصر سیاست، خس و خاشاک وجود آن قوم مخدول را از دشت ممالک برداشته، بلکه به آتشکده دوزخ» بیفکند تا بازرگانان به آسودگی خاطر به کسب و کار مشغول شوند (فرهانی‌منفرد، ۱۳۸۱: ۴۴۳). بعد از تأمین امنیت، سلطان می‌بایست با ایجاد تسهیلات تجاری در راستای ترفیه حال بازرگانان بکوشد. این تسهیلات ساخت بازار، رباط و پل را شامل می‌شد. متأسفانه منابع موجود همه تلاش‌های سلطان در این زمینه را منعکس نمی‌کنند، ولی روشن است که سلطان در هر سه بخش فعال بوده است. چنانکه در قریه زیارتگاه بازار بزرگی را پی افکند که دو هزار دکان داشت (ابوسعید، بی‌تا: ۱۱۷). همچنین سلطان دستور داد در هر منزل یک رباط بسازند تا بازرگانان در آنجا ساکن شوند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۵). این روایت نشان می‌دهد که او شبکه عظیمی از کارونسراها را ساخته که متأسفانه جزئیات آن بر ما روشن نیست. امیر علی شیر نوایی نیز در چهل دختران بادغیس رباطی از خشت پخته ساخته بود (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۴۵). پلی خشتی بر روی رود چهل دختران بادغیس توسط سلطان حسین بنا گردید که به وسیله آن عبور و مرور به دو سوی رودخانه با آرامش انجام می‌پذیرفت (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۴۵).

در نتیجه تلاش‌های سلطان، «معالم دین و دولت و معاهد ملک و ملت ملتّم و منتظم گشت و مجاری امور و مناظم مصالح جمهور رونق تمام گرفت» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۷۳) و «طرق و سبل مسلمانان از تعرض قاطعان طرق به نوعی ایمن و مطمئن گشت...» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۱۱). بنابراین، در عهد او تجارت به حدّ اعلاء رونق پیدا کرده و شهرهای خراسان از بازارهای پررونق برخوردار شدند. از جمله هرات که در این دوره به یک مرکز بزرگ تجاری تبدیل شد و سرمایه‌داران بزرگی در آن ظهور کردند و امر داد و ستد به علت وفور ثروت رونق خاصی یافت (مشکوتی، ۱۳۴۲: ۴۰۴). عبور هر دو راه ابریشم و ادویه از هرات بر توان اقتصادی آن شهر افزوده و البته قلب تپنده اقتصاد هرات، بازار آن بود.

در مرکز شهر هرات گنبدی بزرگ با ارتفاع تقریبی بیست و پنج متر ساخته بودند که آنرا چهار سوق می‌گفتند و از چهار سوق چهار بازار به چهار جهت کشیده بودند. بدین ترتیب بازاری که از چهار سوق به طرف شمال کشیده بود آنرا بازار ملک می‌گفتند و

بازاری که از چهار سوق به جانب جنوب بازار فیروز آباد، از سمت شرق چهار سوق به بازار خوش و بازار جانب غربی به بازار عراق معروف بوده است (ابوسعید، بی‌تا: ۲). در نتیجه مساعی این پادشاه، هرات به عنوان کرسی قلمرو، رونق بازارهای هرات بدان حد رسید که «از غلبه مردم مرور در اسواق و شوارع آن متعسر و در بیشتر اوقات از ترسیص مناكب و تعریك مراكب دخول و خروج از دروب او متعذر. از انواع ظرایف که در اطراف اقلیم عالم حاصل می‌شود آنچه خواهند چندانکه خواهند بی‌تردد در وی مهیا» (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۳). در این زمان، محصولات هند و چین و همچنین ایران و آسیای غربی همه به هرات می‌رسیدند. علاوه بر آن، برده بسیاری از هندوستان و ترکستان به بازارهای برده فروشی آن شهر وارد می‌شد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۳، ۲۴). رونق این تجارت چنان بود که سالانه حدود بیست‌هزار برده جدید به بازارهای آن شهر وارد و فروخته می‌شدند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۳-۲۴).

کروخه، از روستاهای اطراف هرات «بازاری به جمعیت تمام و دکاکین بسیار» داشت (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۰۵). لنگر غیاث که تیمور در حومه هرات بنا گذاشت در زمان سلطان حسین تبدیل به قصبه‌ای شد که «رسته بازاری آراسته با دو چهارسو و سیصد باب دکان معمور» داشت و رونق تجارت در این بازار تا آن حد بود که درآمد آن سالانه مبلغ پنجاه هزار دینار کپکی بود (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۳۶). علاوه بر هرات شهرهای دیگر خراسان نیز مراکز تجاری بزرگی بودند. از جمله نیشابور که هر روز کاروان‌هایی از مناطق مختلف به آن جا وارد و انبارهای آن از کالاهای مختلف انباشته بود و پارچه‌های ابریشمی و نخ‌ی نیشابور را به سایر نواحی حمل می‌کردند و در این شهر برای هر صنف از بازرگانان کاروانسرای جدا از دیگر صنفها قرار داش (مولوی، بی‌تا: ۱۱۴). همچنین استرآباد، در این زمان مهمترین مرکز تولید ابریشم بود که آن را «تجار براری و بحار به اطراف اقلیم عالم» می‌بردند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۹۹). رونق بازار و تجارت در استرآباد چنان بود که سالانه هفتاد تومان کپکی زکات آن می‌شد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۹۹) وقتی که زکات یعنی یک دهم درآمد آن بازار این مقدار باشد، بایستی در آمد بازار را ده برابر آن یعنی هفت میلیون دینار برآورد کرد که رقم قابل توجهی بوده و گویای رونق اقتصادی آن بازار است.

### صنعت و پیشه‌وری

صنعت به معنی تولید وسایل موردنیاز از مواد خام طبیعی، عالیترین نوع فعالیت اقتصادی و از مصادیق زندگی مدنی به شمار می‌رود. با رونق زندگی شهری، در بازارهای شهرها، ارباب حرف و صنایع به دسته‌های متفاوت تحت عنوان صنف تقسیم شدند. در دوره تیموریان، فعالیت و گروه‌بندی اصناف پیشه‌ور ادامه داشت (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۳۸۵). از جزئیات تشکیلات اصناف و اهل حرف اطلاعات چندانی در دست نداریم. با توجه به علاقه تیمور نسبت به گردآوری پیشه‌وران و اهل حرف در پایتخت خود (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۸۵)، در این دوره بر اهمیت آنها به عنوان یک گروه اجتماعی قدرتمند تحت عنوان «محترفات و اهل اسواق که متحملان انواع مشاق و متکفلان امور ما لایطاق‌اند» (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۶۴) می‌افزود. دو شرط لازم برای رونق صنعت و پیشه‌وری، وجود مواد خام و بازار مصرف است که خراسان هر دو را داشت. در یک تقسیم بندی کلی می‌توان همه صنایع موجود را بر اساس محصول‌شان به سه گروه بزرگ تقسیم کرد؛ نساجی و بافندگی، ساخت ابزارآلات و ظروف، صنایع مستظرفه.

گروه نخست برای تداوم فعالیت خود به الیاف نیاز داشت که خراسان از این نظر بی‌نیاز بود زیرا در همه نقاط آن گوسفند پرورش می‌یافت و به ویژه در کوه‌های بین هرات، مرغاب، و بلخ که نتیجه این دامپروری پر رونق (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۳۴، ۱۷۲)، وفور پشم در خراسان بود. در مزارع مرو نیز پنبه و در استرآباد نیز ابریشم به حد وفور به‌دست می‌آمد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۷۳، ۲۹۹).

بنابراین، صاحبان صنایع نساجی برای تأمین مواد خام دشواری نداشتند و در همه شهرها خراسان تولید پوشاک رواج داشت ولی در برخی نقاط منسوجات ویژه‌ای تولید می‌شد که قابلیت صدور به نقاط دیگر را هم داشت. مهمترین مرکز آن شهر هرات بود که پنبه فراوان از مرو و پشم و پوست از ناحیه مرغاب وارد و در کارگاه‌های نساجی هرات به پارچه تبدیل می‌شد. همچنین در قهستان تولید پارچه به حدی رشد کرده بود که مازاد آن را به نقاط دیگر صادر می‌کردند. از معروفترین پارچه‌های قهستان، مله و خودرنگ بود که اهالی هرات برای لباس از آنها استفاده می‌کردند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۲۷). تربت جام نیز یکی دیگر از مراکز نساجی در این عهد به شمار می‌رفت که حاصل کارگاه‌های آن نوعی بالاپوش موسوم به کپنک بود که از پشم تهیه می‌شد و مرغوبیت آن چنان بود که هر قطعه از آن را دویست یا سیصد دینار می‌خریدند و به نقاط مختلف صادر می‌شد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۴۲).

دسته دوم صنایع تولیدی ظروف و ابزارآلات بود که مواد خام مورد نیاز آنها را سنگ، چوب و فلز تشکیل می‌داد. علاوه بر آن که در همه شهرها و روستاهای خراسان، باغ‌های میوه به تناسب شرایط جغرافیایی آنها وجود داشت، در نواحی کوهستانی بادغیس و غرjestان و همچنین در استرآباد درختان جنگلی انبوه وجود داشت که منبع تولید چوب بودند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۳۳). در کوهستان‌های متعدد و پراکنده خراسان، نیز سنگ و معادن فراوان فلز وجود داشت که برای تولید وسایل مورد نیاز از آنها بهره‌مند می‌شدند. از جمله در کروخه معادن سرب و آهن یافت می‌شد و بیشتر آهن مصرفی در کارگاه‌های هرات از این معدن استخراج می‌شد (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۰۵). در منطقه غور نیز معدن بزرگی از سرب وجود داشت (نظامی عروضی، ۱۳۷۷: ۸۶). در حومه بلخ و در کوه پنجه‌پیر معدن نقره بسیارغنی وجود داشت (بارتولد، ۱۳۰۸: ۶۹). نیشابور نیز همچنان معدن فیروزه بود که از شهرت جهانی برخوردار بود (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۴۵). از روی سنگ نوشته معروف شاهرخ در مسجد پیر علمدار بر می‌آید که دامغان نیز یکی دیگر از مهمترین مراکز کارگاهی و مرکز تولید صابون بوده است (خانیکف، ۱۳۷۵: ۸۶). این دسته از صنعتگران با استفاده از این معادن و منابع، وسایل مورد نیاز جامعه اعم از وسایل مصرفی، ساختمانی، ظروف، جنگ افزار و جز آن را تولید می‌کردند.

دسته سوم فنون و صنایع مستظرفه بود که امروزه تحت عنوان صنایع دستی شناخته می‌شوند. این دسته از صنعتگران با انجام کارهای تزئینی بر روی تولیدات هر دو دسته پیشین، بر زیبایی و نفاست آنها می‌افزودند. بنابراین، صاحبان این صنایع از یکسو، جزءپیشه‌وران بودند و از سوی دیگر به خاطر ظرافت کاری، در میان هنرمندان جای داشتند. در این دوره، لزوم ساخت و تأمین وسایل مورد نیاز هنرمندان و همچنین وسایل مورد استفاده در قصور سلطنتی، بر اهمیت کار این دسته افزوده و آنها در صورت ابراز قابلیت به مرتبه بالاتری صعود کرده و از وضعیت بهتری برخوردار می‌شدند (نظامی باختری، ۱۳۵۷: ۲۵۷-۲۵۹). از کم و کیف فعالیت این دسته از صنعتگران اطلاعی در دست نیست، اما توجه به رونق زندگی فرهنگی و هنری در این عهد که هرات را به یکی از کانون‌های تجمع هنرمندان و ادبا و فضلا مبدل ساخته بود (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۰-۳۳) و همچنین تجمل‌گرایی سلاطین تیموری به ویژه سلطان حسین و ساخت بناها و قصور متعدد در هرات که نیاز به ظرافت و زیبایی داشتند، نشان می‌دهد که این دسته از صنایع به میزان قابل توجهی رشد کرده بودند. با داوری از روی وسایل موجود در کاخ‌های و کتابخانه‌های سلطنتی هرات (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۶۶) می‌توان تصور کرد که صنایعی همچون تجلید، تذهیب، نگارگری، کتاب‌آرایی، میناکاری، مرصع‌کاری، آبگینه و جز آن نمونه‌هایی از این دست باشند که در عهد سلطان به شدت رونق یافته بودند.

حمایت‌های سلطان حسین بایقرا از پیشه‌وران و اصناف مانند صدور نشان و منشور برتری و کلاتتری (فرهانی‌منفرد، ۱۳۸۱: ۱۶۵)، لغو مالیات‌های غیر قانونی از ایشان، (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۰۶)، انتصاب افراد سرشناس و منصف برای نظارت بر اصناف،

(نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۱۲۹)، تعیین انعام و مستمری (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۹۸-۹۹)، باعث شد که خراسان به زودی شاهد حضور انبوه اصناف و پیشه‌وران متعدد اعم از هراتی و غیرهراتی باشد. چنانکه «از اصناف هنرمند و اهل حرف و مستعدان که در جمیع مداین روی زمین یکی را نتوان یافت ولی در هرات متعدد پیدا» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۳). حمایت‌های بی‌دریغ وی از ارباب حرف و صاحبان صنوف صنعتی، دوره حکومت وی را به عنوان عصر زرین این گروه درآورد؛ چنانکه در این عهد «در هر صنفی از اصناف عالم، یک دو ماهر عالم‌گیری پیدا شد که در اول و آخر مثل او نبود» (دوغلالت، ۱۳۸۳: ۲۹۲).

## ۲- نظام پولی

بررسی وضعیت سکه‌ها و نظام پولی هر حکومت در شناخت اوضاع اقتصادی آن حکومت اهمیت فراوانی دارد. سکه بازگو کننده وضعیت سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی است (طباطبایی، ۱۳۴۷: ۹). تیمور در ابتدای حکومت خود، نظام پولی خود را بر پایه شیوه تک فلزی استوار کرد و مسکوکات نقره‌ای مطابق اندازه سکه‌های خانان جغتایی را مبنا قرار داد؛ ولی بعد از مدتی در سال ۸۹۲ ه.ق اقدام به ضرب سکه‌ی نقره‌ای جدید کرد. این سکه، تنکه نقره نام داشت که بر گرفته از واژه‌ای هندی بود. وزن هر تنکه نقره در زمان تیمور معادل ۵/۳۸ گرم بود که مزین به عبارات اسلامی بود. بعد از تیمور شاهرخ اقدام به ضرب گونه‌ی جدیدی از تنکه نقره‌ای کرد که نسبت به تنکه تیمور کاهش وزن داشت و به «شاهرخ‌ی» شهرت یافت (تاکستن و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۰-۷۱). سلطان حسین نیز آغاز سلطنت خود را با ضرب سکه مخصوص به خود آغاز کرد که آن را «بهبود» نامید (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۴۵/۳) و بدین طریق نشان داد که قصد دارد دوره ای جدید را در اقتصاد کشور رقم بزند. این پول رایج دوره سلطان حسین که عمده فعالیت‌های اقتصادی بر پایه آن تنظیم می‌شد، نیز از جنس نقره بود و به تنکه «بهبود» شهرت داشت. سکه‌های متعددی از وی به دست آمده که بر روی تمامی آن‌ها عبارت‌های مشابهی حک شده است. بر روی آن‌ها عنوان «السلطان الاعظم ابوالغازی حسین بهادر خلد الله ملکه و سلطانه»، و در پشت سکه‌ها «لا اله الا الله محمد رسول الله» و در حاشیه اسامی خلفای راشدین حک شده است. شهرهای محل ضرب سکه در خراسان عبارت بودند از: استرآباد، بدخشان، بلخ، سمنگان، خور، تون، دامغان، سبزوار، سلمقان، قندهار، کرین یا کریم ماخان، مشهد، نیشابور و هرات (عقیلی، ۱۳۷۷: ۳۶۴).

در این دوره مسکوکات با وزن تقریباً یکسان در قلمرو سلطان حسین ضرب می‌شد که این سیستم منظم پولی و مالی تأثیر زیادی در روند روبه رشد اقتصاد مملکت و توسعه اقتصادی و گسترش تجارت در بازارهای داخلی و خارجی را سبب می‌شد (طباطبایی، ۱۳۵۰: ۱۴۰-۱۴۳). در عین حال، از فراوانی سکه‌های سلطان حسین بایقرا و کمیابی سکه‌های دیگر می‌توان به کیفیت مطلوب سکه‌های او پی برد زیرا که سکه‌های دیگران به دلیل کیفیت نامطلوب، دچار ساییدگی شده و از بین رفته‌اند.

یکی از ویژگی‌های نظام پولی سلطان حسین، نشانه‌گذاری ثانویه بر روی سکه‌ها است که یک یا چند بار انجام می‌شد. بدین معنی که برای افزایش عایدات از طریق محاسبه واحد قیمت، به تجدید نشانه‌گذاری روی مسکوکات قدیم می‌پرداختند و از این طریق اعتبار مسکوکات رایج در بازار را طبق شرایط جدید تمدید می‌کردند (تاکستن و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۳). به عبارت روشن‌تر، ارزش مسکوکات را در طول زمان مطابق با شرایط موجود تعیین می‌کردند. بنابراین، هر چه نرخ در بازار بالا می‌رفت، ارزش پول نیز با آن متناسب می‌شد و در نتیجه پول ارزش واقعی خود را همچنان حفظ می‌کرد. این سیاست پولی مظهر آن است که تمام قلمرو

به لحاظ سیاسی و اقتصادی یک پارچه بوده و سلطان حسین بایقرا به وضعیت اقتصادی توجه خاصی داشته است. لذا با این نظام سیال پولی، هیچ مشکلی در امور تجاری حادث نشده و معاملات تجاری با رونق و به سهولت انجام می‌گرفت.

### ۳- مالیات‌ها

اخذ مالیات جایگاهی ویژه و نقش مهمی در سیستم مالی تیموریان داشته و بخش اعظم درآمدهای آن از راه مالیات تأمین می‌شد. در سیستم مالیاتی آن‌ها سنت‌های مغولی تا حد زیادی حفظ شده بود؛ لذا گاهی در وضع مالیات‌ها بین شیوه مغولی و اسلامی اختلافاتی بروز می‌کرد و برخی از مالیات‌هایی را که مورد قبول شریعت اسلامی نبود، می‌گرفتند (فوربزمز، ۱۳۸۴: ۱۲۸). تعدد و بی‌نظمی مالیاتی این عهد به حدی است که در متون و اسناد به جا مانده، نام بیش از سی نوع مالیات ذکر شده که کم و کیف آنها و ارتباط فیما بین آنها با یکدیگر و نحوه وصول آنها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد (برای نمونه نک: نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۲۵). لذا فقط با مقایسه سیستم مالیاتی تیموریان با دوره قبل و بعد از آنها و همچنین استفاده از منابع پراکنده می‌توان اهم مالیات‌های عصر سلطان حسین را به این صورت دسته‌بندی کرد:

خراج مالیاتی بود که معمولاً از زمین‌های کشاورزی گرفته می‌شد و میزان آن بر حسب نوع آبیاری از یک چهارم تا یک سوم محصول ترقی می‌کرد (تربتی، ۱۳۴۲: ۳۶۴). سلطان حسین بایقرا مقدار خراج برخی ولایات را کاهش داده و برخی ولایات را نیز به طور کلی از پرداخت آن معاف ساخت. «تمغا» نیز که مغولان در ایران رایج کرده و تیمور ادامه داده بود (اوکین، ۱۳۳۶: ۳۲)، مالیاتی بود که به میزان ۲/۵ درصد از کلیه‌ی تجار، محترفه و صاحبان صنایع گرفته می‌شد و به عنوان مالیات نقدی نقش مهمی در تأمین درآمدهای دولت داشت (نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۱۴۶-۱۵۲؛ رویمر، ۱۳۷۹: ۲۵۵-۲۵۶). سلاطین تیموری به‌رغم تظاهر به تقید شرعی و تضاد این مالیات با اسلام، به خاطر اهمیت این مالیات، قادر و مایل به چشم پوشی از آن نبودند. شاهرخ، به منظور شرعی نمودن آن، به آن عنوان زکات داد. سلطان حسین بایقرا، با صدور فرمان «تمامی تمغا ممالک محروسه و ولایت را بالکل معاف و مسلم داشتیم»، دریافت این مالیات را لغو کرد (فرهانی‌منفرد، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

سرشمار در واقع نوعی مالیات سرانه بود که از هر سر نفر، کله) اعم از شهری و روستایی و معمولاً به شکل نقدی اخذ می‌شد. در زمانی که منابع مالیاتی کاهش می‌یافت، این مالیات در سر تا سر قلمرو حکومتی به اجرا درمی‌آمد. میزان پرداخت مالیات سرشماری در هر ناحیه، مشخص نیست (بوسه، ۱۳۶۷: ۱۸۲)، اما چنین استنباط می‌شود که مخارج دولتی در هر ناحیه را مشخص می‌کرده و سپس این مبلغ را میان اهالی آن سرشکن می‌کردند. این مالیات در عهد حاکمیت سلطان حسین بایقرا نیز وجود داشت (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۱۳۷).

باج نیز مالیاتی بود که از کاروان‌های تجاری در دروازه‌ی برخی از شهرها اخذ می‌شد (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۱۰). همچنین از کتیبه مسجد پیر علمدار دامغان بر می‌آید که از کالاهای تولیدی نیز عوارضی گرفته می‌شده است (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۸۷). مالیات دیگری که در اخذی‌های گاه به‌گاه تیموریان بر شهرنشینان تحمیل می‌شد قلان بود. در خصوص ماهیت، میزان و چگونگی وصول این مالیات اتفاق نظری وجود ندارد (پطروشفسکی، ۱۳۸۱: ۵۰۴) اما با استناد به روایتی از خواندمیر در خصوص وزارت خواجه مجدالدین خوافی به احتمال زیاد این نوع مالیات را در دوره سلطان حسین بایقرا از اراضی مزروعی و از همه یکجانشینان می‌گرفتند (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۰۶). مالیات باغ شمار یا سردرختی نیز بر اساس تعداد درختان باغ گرفته می‌شد (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۷۰).

گاهی هم مالیات‌هایی مثل عیدی و نوروزی، شکرانه، سلامانه که مشتلق (مژدگانی) نیز نامیده می‌شد، در موارد خاص گرفته می‌شد. در مواقع تنگنا سلطان مالیات‌هایی همچون زر لشکر را بر ساکنان شهرها تحمیل می‌کرد که معمول نبود و بیشتر در جهت تأمین هزینه لشکرکشی گرفته می‌شد (Subtelny, 2007: 75). همین طور مالیات الاغ که در دوره‌های قبل از تیموریان معمول بوده در دوره آنها نیز اجرا می‌شده است (سابتلنی، ۱۳۸۴: ۱۹۱، ۲۰۰). در برخی از فرامین سلطان حسین بایقرا از مالیات‌هایی همچون «مال و نفاذ لشکر، اخراجات، ذخیره، ساوری، سبونچی، سرشمار ده، یازده، ده و نیم، ضابطانه، حق‌السعی، داروغخانه، سوغات، سلامانه، پیش‌کش، خدمتانه و راه‌داری» نام برده شده (نظامی باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۳۸-۱۳۹، ۱۵۱) که در این دوره رایج بوده، اما هیچ توضیحی در مورد آنها داده نشده است.

اما مهمترین مسأله طریقه وصول این مالیات‌ها است و چنانکه در بالا گفته شد بخشی از مالیات‌ها به گونه‌ای بودند که نظم و قاعده خاصی در زمینه‌ی وصول آن‌ها وجود نداشت و این امر خود کامگی، غارت، فساد و در نهایت انحطاط اقتصادی مملکت را در پی داشت. به گونه‌ای که در آغاز دوران حکومت سلطان حسین بایقرا «رعایا از تکلیفات و مطالبات ایام گذشته مضطر شده بودند» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۷۰). در ایران بعد از اسلام روش‌های گوناگونی برای تعیین زمان، میزان واقعی و شیوه تسعیر مالیات‌های ثابت وجود داشت. عوامل مهمی همچون اوضاع جغرافیایی، طریقه آبیاری، نوع تصرف، نوع زراعت، قیمت‌ها و کمیت محصول در میزان مالیات تأثیر داشت (لمبتون، ۱۳۶۲: ۸۸) که در دوره تیموری از برخی آنها استفاده می‌شد. جمع‌آوری مالیات‌های منظم نیز بر اساس دفاتر دیوان و دفاتر ثبت مالیات انجام می‌شد و مسئولیت آن را دیوانسالاران یکجانشین برعهده داشتند که از یاری نیروهای نظامی هم بهره‌مند بودند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۵۵/۱؛ رویمر، ۱۳۷۹: ۹۰). برخی اسناد حاکی از آن است که در دوره سلطان حسین بایقرا مالیات‌ها هم به صورت جنسی و هم به صورت نقدی وصول می‌شده است (جامی، ۱۳۷۸: ۱۲۶).

### حیات اقتصادی خراسان در اواخر حکومت سلطان حسین

سلطان حسین بایقرا قریب به سه دهه با اقتدار حکومت کرد و حیات اقتصادی خراسان را بهبود بخشید اما از حدود ۸۹۶ ه.ق به بعد، بیماری درد مفاصل و نقرس بر او چیره شد، چنانکه او را از حرکت باز داشت (قزوینی، ۱۳۶۳: ۳۴۰) بنا بر این، با توجه به این ناتوانی جسمانی برخی از عوامل مخرب اقتصادی مجدداً در خراسان ظاهر شدند.

آشفتگی سیاسی با مشاهده ضعف جسمانی و بیماری سلطان حسین مدعیان قدرت برای کنار زدن وی فعال شدند؛ میرزا سلطان محمود فرزند ابوسعید، حکمران سمرقند به بدخشان حمله کرد، مدتی بعد، فرزند ارشد سلطان موسوم به بدیع الزمان میرزا برای تصاحب قدرت پدر دست به شورش زد و تا چهار سال برای وی مزاحمت ایجاد کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲۰۷/۴-۲۱۶). پس از وی نیز پسر دیگرش محمد حسین میرزا بر پدر یاعی شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲۱۷/۴). این آشفتگی‌ها و درگیری‌های داخلی نیز فرصت رسیدگی و نظارت بیشتر را از او گرفت. از آن طرف در سال‌های پایانی حکومت سلطان، دو دشمن خارجی از دو سوی قلمرو سلطان را مورد تهدید قرار دادند: شیبانیان و صفویه.

اوزبکان شیبانی، پس از غلبه بر ماوراء النهر، به اطراف قلمرو سلطان تاختند چنانکه در سال ۹۰۹ ه.ق بلخ و نواحی مجاور را تصاحب کردند و سال بعد (اوایل ۹۱۱ ه.ق) نیز خوارزم را به رغم مقاومت شدید کارگزاران سلطان اشغال کردند (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۵۰؛ دوغلات، ۱۳۸۳: ۲۵۴-۲۵۵، ۳۲۱، ۳۳۰) و همچنین از طرف غرب نیز قزلباشان صفوی در شعبان سال ۹۱۰ ه.ق به طیس و



نواحی مجاور آن حمله و «عمارات بیرون قلعه را خراب کردند و اشجار مثمره و تاک‌بنان را به تمام با خاک یکسان ساختند» (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۴۳). تعداد کشتگان این واقعه را برخی هفت هزار و برخی تا سی هزار نفر برآورد کرده‌اند (حسینی، ۱۳۷۹: ۳۱؛ شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۴). این واقعه آخرین سال حکومت سلطان حسین را تیره ساخته و او و فرزندانش «در اضطراب افتادند» (قزوینی، ۱۳۶۳: ۴۰۱).

عجیب آنکه هم‌زمان با آغاز بیماری سلطان، قهر طبیعت هم دامن‌گیر خراسان شد و در ۲۱ ربیع الاول سال ۸۹۸ هـ.ق زلزله‌ای سهمگین قهستان را لرزاند که در نتیجه آن «خرابی بسیار افتاد و خانهای ایشان با خاک یکسان گشت و مردم فراوان ضایع شدند» (اسفزاری ۱۳۳۹: ۹۹) و درست سه ماه بعد از آن یعنی در ۲۶ جمادی الاخری ۸۹۸ هـ.ق سیل عظیمی از ناحیه گازرگاه هرات سرازیر و ضمن تخریب پل‌ها و مسیر جوی‌ها به خیابان‌های شهر افتاده و در قسمت جنوبی شهر «از سرا و باغات و حظایر و عمارات خرابی بی‌غایت و ویرانی بی‌نهایت کرد.» و سیلی دیگر روستاهای اطراف هرات را در نوردید چنانکه «ویرانی‌ها کرد و چند مردم هلاک شدند» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۰۰).

روی هم رفته، در عین حال که ساکنان خراسان در اثر آشفتگی سیاسی، بلایای طبیعی تحت فشار بوده و نیاز به حمایت داشتند کارگزاران حکومتی نیز به اشکال مختلف به تعدی و نسبت به آنها روی آوردند. بدین معنی که کارگزاران حکومتی نیز با مشاهده ناتوانی شاه، خود سرانه دست به اخذ برخی مالیات‌ها زدند. اسفزاری در سال ۸۹۸ هـ.ق ضمن اشاره به احیاء این تعدی‌ها، مدعی است که «حالا پادشاه اسلام [یعنی سلطان حسین] خبر ندارد» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۷۰). بنابراین معلوم است که با استفاده از بیماری شاه این قضیه اتفاق افتاده است. نخستین تعدی کارگزاران، احیاء مالیات سردرختی بود که آن را سلطان ابوسعید در ۸۶۶ هـ.ق ملغی کرده و سلطان حسین نیز الغاء آن را تأیید کرده بود (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۷۰).

فرزندان عاصی سلطان نیز که هر یک گوشه‌ای را گرفته بودند، از پرداخت مالیات سر باز می‌زدند و در نتیجه «مداخل دیوان اعلی روی در نقصان نهاد» (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۲۹). در نتیجه، دربار سلطان برای جبران کسری بودجه، بر میزان مالیات نواحی دیگر افزود؛ چنانکه وزیر «جهت زلشکر، و اخراجات ضروریه دیگر در عرض یک دو سال، چند نوبت برسم سرشمار، و سرشمار و برده شمار و نامبردار مبلغهای کلی از محترفات و مزارعان بلده و بلوکات هرات بستد» (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۲۹). وخامت این اوضاع تا آن حد بالا گرفت که در آخرین ماه‌های حکومت سلطان، وزارت به دست درویش احمد قابض افتاد و او هم «به سبب شرارت نفس و طبیعت ناپاک آغاز بی‌ادبی کرده، ابواب ظلم و تعدی بر روی رعایا که ودایع حضرت خالق البرایاند و بر مظلومان و ستم دیدگان تحمیلات‌گران کرده انواع فتنه و فساد بنیاد نهاد». از آنجا که کسی بر احوال او نظارت نمی‌کرد کار بدانجا رسید که «اگر چه بر سیبل رشوت مبلغ‌ها از مردم گرفتی، اما به ساختن مهم ایشان نپرداخت» و زمانی که اعتراض می‌کردند «آنچه به نام ایشان نوشته بودی مضاعف ساختی» (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۵۴).

این شرایط، حیات اقتصادی خراسان را به شدت تحت تأثیر قرار داد. بطوری که به قول جامی «حال رعایای شهر و بلوکات به وسیله حوالاتی که نسبت به ایشان واقع می‌شود به مقام اضطراب رسیده و نزدیک بود که سلسله زراعت و سایر احوال ایشان از انتظام بیفتد» (جامی، ۱۳۷۸: ۱۱۶-۱۱۷). اسفزاری نیز در شرح واکنش مردمی که از احیاء مالیات سردرختی ناراضی و بسته آمده بودند، با بیان اینکه «درخت‌ها را از باغ‌ها بریدند و برکنندند»، نتایج وخیم ناشی از احیاء این مالیات را باز می‌نمایاند (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۷۱).

بنابراین با این مشکلات، اجازه تداوم آبادانی و مرمت ویرانی‌ها از سلطان گرفته شد و برخی از نواحی خراسان همچنان ویران باقی ماندند. که از آن جمله می‌توان به بست اشاره کرد که در این زمان به طور کامل ویران بود (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۴۳۴). سیستان نیز «به سبب فترت، خراب و پریشان بود» (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۲۹) و همچنین قلعه‌های فراه نیز تا پایان عهد سلطان حسین مرمت نشده و ویران باقی ماندند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۴۰). اما در اسفزار که سلطان حسین، ضمن تعمیر مسجد جامع، سعی در آبادانی آن داشت، در اواخر حکومت سلطان حسین اوضاع مناسبی نداشت که اسفزاری این اوضاع را با عبارتی این چنین بازگو می‌کند: «حالا (یعنی سال ۵۸۹۹ق) کمال اختلال و پریشانی احوال به مکان آن راه یافته در غایت ویرانی است شاید که به وسیله این کلمات اصحاب دولت و اختیار و ارباب مکنت و اقتدار بر اوضاع آن اطلاع یافته» و برای آبادانی آن فکری بکنند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۱۸).

### نتیجه‌گیری

مطالعه داده‌های مربوط به تاریخ سلطان حسین بایقرا نشان می‌دهد که حیات اقتصادی خراسان در دو دوره حاکمیت وی متفاوت بود: در دوره اول حاکمیت، وی با اقتدار موفق به مهار عوامل مخرب اقتصادی و رفع ظلم و تعدی کارگزاران بر مردم شده و فضای اقتصادی مناسبی را به وجود آورد، ولی در دوره دوم حکومت او با توجه به ناتوانی جسمی ایشان بسیاری از امور به وی اطلاع داده نمی‌شد و در نتیجه برخی از عوامل مخرب اقتصادی دوباره بر زندگی اقتصادی خراسان استیلا یافتند. در دوره اول، استحکام حکومت سلطان حسین بایقرا در خراسان بی‌تردید موجب رونق و آبادانی شهرهای این ایالت شد. اصلاحات وی در زمینه اقتصادی موجب گردید، که امور مالی سر و سامان بگیرد. خزانه‌ی دولت با وصول منظم مالیات‌ها معمور گشته و بسیاری از ویرانه‌ها و خرابی‌ها رو به آبادانی نهاد و با احیای شبکه‌های آبیاری در اوضاع کشاورزی و امور مربوط به روستاییان بهبود حاصل گردید. این سلطان با لشکرکشی‌های متعدد به سرکوبی مدعیان قدرت و ایلات لگام گسیخته و همچنین راهزنان پرداخته و با ایجاد امنیت، لغو و کاهش مالیات تجار، ایجاد کاروانسراها و بازارهای متعدد، زمینه را برای رونق تجارت فراهم کرد. همچنین با حمایت از هنرمندان و دانشمندان و گردآوری آنها در هرات، راه را برای رشد صنایع و حرف به ویژه صنایع مستظرفه هموار ساخت.

او از طرفی با نظارت شدید بر نحوه وصول مالیات‌ها و بخشش مالیات‌های اضافی، مایه آرامش و رفاه اقتصادی توده مردم را فراهم ساخت و از طرف دیگر با ضرب سکه‌های مخصوص به خود با نام «بهبود» با وزن یکسان از نوسان قیمت‌ها، افزایش تورم و در نتیجه ایجاد بحران جدی در اوضاع اقتصادی خراسان جلوگیری کرد. به همین جهت در دوره‌ی اول حکومت سلطان حسین بایقرا در مقایسه با گذشته، حیات اقتصادی و اجتماعی رو به بهبود نهاد و جامعه از رونق نسبی بر خوردار شد. بدون تردید این وضعیت مساعد که در پرتو همگرایی مناسبات میان مردم و حکومت پدیدآمده بود در جای خود در رونق حیات فرهنگی و اعتلای اخلاقی و ادبی نیز مؤثر بوده و دوره‌ای به یاد ماندنی را در تاریخ خراسان عهد سلطان حسین بایقرا بر جای گذاشته است. در دوره دوم با توجه به بیماری سلطان، مدعیان قدرت به تلاش برای کنار زدن وی برخاسته و اندکی بعد نیز حمله اوزبکان و قزلباشان نیز به قلمروی وی این آشفتگی سیاسی را مضاعف کرد. در چنین اوضاع و احوالی، نظارت سلطان بر کارگزاران حکومتی و بر وصول مالیات‌ها کاهش یافت و در نتیجه تعدی‌های مالیاتی، اوضاع اقتصادی مردم خراسان رو به وخامت گذاشت.

## منابع

- ابن شهاب یزدی، تاج الدین حسن، (۱۹۸۷)، *جامع التواریخ حسنی*، تصحیح حسین مکدرسی طباطبایی و ایرج افشار، کراچی، دانشگاه کراچی.
- ابوسعید، مولانا عبیدالله، (بی‌تا)، *رساله مزارت هرات*، تصحیح فکری سلجوقی، بی‌جا: بی‌نا.
- اسفزاری، معین الدین محمد، (۱۳۳۸)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، ج ۱، تصحیح و حواشی سید محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
- *اسناد و مکاتبات خارجی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل*، (۱۳۴۱)، گردآوری و تنظیم عبدالحسین نوایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- امینی هروی، ابراهیم، (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهی*، تصحیح محمد رضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اوکین، برنارد، (۱۳۳۶)، *معماری تیموری در خراسان*، ترجمه علی اخشیانی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بارتولد، و.و.، (۱۳۳۶)، *الغ بیگ و زمانی وی*، ترجمه حسین احمدی پور، تبریز: انتشارات چهر.
- بوسه، هریبرت، (۱۳۶۷)، *پژوهشی در تشکیلات دیوانی اسلامی*، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پطروشفسکی، ایلیاد پولوویچ و دیگران، (۱۳۸۱)، «*وضع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان*» در *تاریخ ایران کمبریج*، ج ۵، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.
- پیگو لوسکایا، ن. و، و دیگران، (۱۳۴۶)، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- تاکستن، و دیگران، (۱۳۸۴)، *تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- تتوی، احمد - قزوینی آصف خان، (۱۳۷۸)، *تاریخ الفی*، تصحیح علی آل داود، تهران: فکر روز.
- تربتی، ابوطالب حسینی، (۱۳۴۲)، *نزوات تیموری*، تهران: کتاب‌فروشی اسدی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان، (۱۳۷۸)، *نامه‌ها و منشآت جامی*، تصحیح عصام الدین اورون بایف و اسرار رحمانوف، تهران: میراث مکتوب.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی، (۱۳۷۰)، *جغرافیای تاریخی خراسان*، تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: انتشارات اطلاعات.
- حسینی، خورشاه بن قباد، (۱۳۷۹)، *تاریخ ایلچی نظام شاه*، تصحیح محمد رضا نصیری و کوئچی هانه دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ، (۱۳۷۵)، *سفرنامه خانیکوف*، ترجمه اقدس یغمائی و ابوالقاسم بیگناه، مشهد: آستان قدس.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، (۱۳۸۰)، *حبیب السیر*، تهران: خیام.
- دوغلات، محمد حیدر میرزا، (۱۳۸۳)، *تاریخ رشیدی*، تصحیح عباسقلی غفاری فرد، تهران: میراث مکتوب.

- رویمر، ه.ر. و دیگران، (۱۳۷۹)، *تاریخ ایران کمبریج*، ج ۶، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- سابتلی، (۱۳۸۴)، *هنر پیروزی و فرهنگ دوستی تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- سمرقندی، دولت‌شاه، (۱۳۸۲)، *تذکره الشعراء*، تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع البحرين*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شیرازی، عبدی بیگ، (۱۳۶۹)، *تکمله الاخبار*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی.
- طباطبایی، سید جمال، (۱۳۴۷)، *سکه‌های اسلامی دوره ایلخانی و گورکانی*، تبریز: موسسه گراور و چاپ شعاع.
- عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام، (۱۳۳۷)، *آثار الوزراء*، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
- عقیلی، عبدالله، (۱۳۷۷)، *دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی*، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- فرهانی منفرد، مهدی، (۱۳۸۱)، *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فوربرمنز، بتاتریس، (۱۳۸۴)، «*زمامداری و تفویض قدرت در قلمرو تیمور*» در *تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- قزوینی، یحیی بن عبداللطیف، (۱۳۶۳)، *لب التواریخ*، تهران: گویا.
- کلاویخو، (۱۳۶۶)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، ان.کی.اس، (۱۳۶۲)، *مالک وزارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- مستوفی بافقی، محمد مفید، (۱۳۸۵)، *جامع مفیدی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- مشکوتی، نصرت الله، (۱۳۴۲)، *از سلاحه تا صفویه*، تهران: چاپخانه بانک بازرگانی ایران.
- مولوی، عبد الحمید، (بی تا)، *آثار باستانی خراسان*، تهران: انجمن آثار ملی.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه، (۱۳۸۰)، *روضه الصفا*، به اهتمام جمشید کیان فر، تهران: اساطیر.
- نظامی باخزری، عبد الواسع، (۱۳۵۷)، *منشأ الانشاء با اهتمام رکن‌الدین همایون فرخ*، تهران: دانشگاه ملی.
- نظامی باخزری، عبد الواسع، (۱۳۷۱)، *مقامات جامی گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان عصر تیموریان*، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: نشر نی.
- نظامی عروضی محمد بن عمر، (۱۳۷۷)، *چهار مقاله*، تصحیح محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- ویلبر، دونالدر و لیزاگلمبک، (۱۳۷۴)، *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
- همو، (۱۳۰۸)، *تذکره جغرافیایی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، تهران: چاپخانه اتحادیه.
- همو، (۱۳۱۷)، *دستورالوزراء*، به تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- همو، (۱۳۳۹)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، ج ۲، تصحیح و حواشی سید محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
- همو، (۱۳۵۰)، *سکه‌های شاهان اسلامی ایران*، تبریز: چاپخانه شفق و توفیق.

- همو، (۱۳۷۸)، *مکارم اخلاق*، مقدمه و تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.
- همو، (۱۳۸۰)، *زبده التواریخ*، به تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- همو، (بی تا)، *جغرافیای حافظ ابرو*، قسمت ربع خراسان هرات، به کوشش مایل هروی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.
- یزدی، شرف الدین علی، (۱۳۳۶)، *ظفر نامه*، تصحیح محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- Subtelny. E. Maria, *Timurids in Transition Turko-Persian Politics and Acculturation in Medieval Iran*, LEIDEN . BOSTON, brill, 2007.